

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)

ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،  
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،  
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه  
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی

## فهرست مطالب

---

۷	ارتباط امهال شیطان و تعالی انسان از منظر فریقین
۳۵	بایدها و نبایدهای مهارت ارتباط کلامی؛ گفتن و شنیدن در صحیفه سجادیه
۵۷	قصاص پس از قصاص از منظر فقه و حقوق اسلامی
۸۷	تبیین دیدگاه آیت الله سبحانی «حفظه الله» و مرحوم مظفر در مورد وضع الفاظ عبادات
۹۷	«کرامت انسانی» در سیاست جنایی اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران
۱۲۵	نقش تعدد جرم در جرایم حدی از منظر فقه و حقوق
۱۴۱	مقایسه رشوه با عناوین مشابه، مطالعه موردی جُعل قاضی
۱۵۷	مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه

---



سال چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱۴

## تبیین دیدگاه آیت الله سبحانی «حفظه الله» و مرحوم مظفر در مورد وضع الفاظ عبادات

فرزاد مقبلی قرائی<sup>۱</sup>

چکیده

بین علماء اصول فقه در مورد وضع الفاظ عبادات اختلاف جاری است؛ بعضی می‌فرمایند الفاظ عبادات برای صحیح وضع شده‌اند و بعضی از ایشان می‌فرمایند برای اعم از صحیح وضع شده‌اند یعنی هم برای صحیح هم برای فاسد، از جمله این علماء مرحوم مظفر و آیت الله سبحانی «حفظه الله» هستند، هر کدام از این دو کارشناس علم اصول نظری دارند بر خلاف دیگری که نظر آیت الله سبحانی «حفظه الله» بر وضع الفاظ برای صحیح است، بخاطر غرض شارع؛ زیرا نمی‌توان به غرض شارع رسید مگر در پی وضع الفظ برای صحیح و نظر مرحوم مظفر بر وضع برای اعم از صحیح و فاسد است، بخاطر تبادل که راه بدست آوردن حقیقت موضوع له است، پس طبق نظر آیت الله سبحانی اگر عبادتی یک جزء آن نباشد عبادت نیست بر خلاف مرحوم مظفر اگر عبادتی حتی چند جزء آن نباشد بازهم عبادت است. در این مقاله به روش توصیفی به نظر این دو کارشناس پرداخته می‌شود.

کلید واژه: وضع، عبادات، صحیح، اعم، فاسد.

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم - فوق دیپلم رشته مهندسی ساختمان

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. وضع

از جهت لغت: اصل ماده قرار دادن شیء در محل، این به حسب مصادیق و خصوصیات اختلاف پیدا می‌کند مثلاً یکی از مصداق‌های آن خشوع است بخاطر اینکه نفس را در محل معنوی قرار می‌دهند (مصطفی، حسن، ۱۴۳، ۱۴۳۰)

از جهت اصطلاح: قرار دادن و تخصیص لفظ برای معنا از سوی واضع (مظفر، ۲۸، ۱۳۹۵)

به نظر می‌رسد اصل ماده وضع از جهت لغت واصطلاح اختلافی ندارند.

### ۲-۱. صحیح

از جهت لغت: صحت بدن یعنی حالت طبیعی بدن که افعال به حالت طبیعی انجام می‌شود گاهی استعاره می‌شود برای معانی دیگر مثلاً صحت صلاه یعنی قضاء ساقط شده و غیره (فیومی، ۱۴۱۴، ۳۳۳)

از جهت اصطلاح: آنچه‌ی که تمام اجزاء و شرایط آن موجود باشد (مظفر، ۱۳۹۳، ۵۸)

اما اهمیت بحث در مورد صحیح و اعم در آنجا است که اگر کسی قائل به وضع الفاظ عبادات برای اعم شود می‌تواند در مورد عنوانی از عبادات که اجزای آن بصورت مطلق بیان شده و نفی جزئیت و شرطیت شیء مشکوک است، رجوع به اصالت اطلاق نماید ولی اگر کسی قائل به وضع الفاظ برای صحیح شود نمی‌تواند رجوع به اصالت اطلاق نماید؛ به این بیان اگر مولی در موردی امر کرد به خواندن نماز و ما شک کردیم، آیا مثلاً سوره جزء نماز هست یا نه، اینجا دو نظریه خود نمایی می‌کند، اگر مبنای ما وضع الفاظ برای اعم باشد، براساس اطلاق امر مولی می‌دانیم صدق عنوان نماز بر فاقد سوره است؛ حال اگر شک کردیم در اعتبار سوره که آیا در نماز هست یا نه اینجا رجوع می‌کنیم به اصالت اطلاق و اکتفا می‌کنیم به نماز فاقد سوره، در آخر هم حتی اگر سوره جزء نماز باشد و ما آن را انجام ندادیم باز ما با عمل خود دستور مولا را به جا آورده‌ایم، حال اگر مبنای ما صحیحی شد یعنی

الفاظ برای تمام اجزاء و شرایط وضع شده‌اند، اگر شک کردیم که آیا عنوان نماز بر فاقد سوره صدق می‌کند یا نه اینجا دیگر نمی‌توان به اطلاق دلیل رجوع کرد بخاطر اینکه عنوان نماز همان نماز صحیح است و نماز صحیح همان عنوان مامور به است یعنی اگر جزئی از آن نباشد دیگر اصلا نماز نیست، بله به صورت مجاز به او نماز می‌گویند در اینجا شک صحیحی بر طرف نمی‌شود و باید رجوع کند به اصول عملیه. (ر.ک، مظفر ۱۳۹۳، ۵۹)

## ۲. دیدگاه آیت الله سبحانی «حفظ الله»

ایشان می‌فرماید الفاظ عبادات برای صحیح وضع شده‌اند نه اعم یعنی واضع این الفاظ را برای معنایی وضع کرده که همه اجزاء و شرایط عبادات را هنگام وضع در معنا لحاظ کرده یعنی وقتی می‌خواست الفاظ را برای عبادات وضع کند در حین وضع تمام اجزاء و شرایط را تصور کرده و الفاظ را برای همان اجزاء و شرایط وضع کرده نه کمتر نه بیشتر. (سبحانی، ۱۳۸۷، ج ۳۷، ۱)

پس از نظر ایشان مثلا نماز به چیزی می‌گویند که تمام اجزاء و شرایط که واضع تصور کرده در آن باشد و اگر حتی یک جزء و شرایط آن نباشد دیگر به آن حقیقتا نماز نمی‌گویند بله می‌توان به صورت مجاز به آن نماز گفت.

### ۲-۱. دلیل حضرت آیت الله سبحانی

ایشان می‌فرمایند عبادات ماهیات اعتباری هستند که واضع آن‌ها را اعتبار کرده و اعتبار واضع به این است که هنگام وضع اغراض شارع را از عبادات در نظر گرفته و الفاظ را وضع کرده و دست یابی به این اغراض شارع در گروه عمل به تمام اجزاء و شرایط است یعنی صحیح، که واضع هم برای همان‌ها وضع کرده بود و اگر یک جزء از عبادت مثلا نماز، اگر سوره آن خوانده نشود نماز به جا آورده نشده و به اغراض شارع دست پیدا نمی‌شود.

به بیان دیگر شارع، اراده کرده تربیت و تهذیب انسان را و این غرض شارع وابسته به انجام عبادت صحیح است و عبادت صحیح همان عبادتی است که ما را به غرض شارع برساند مثلا شارع در مورد نماز می‌فرماید «أَلْ مَا أَوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ



أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (سوره عنكبوت: ۴۳)

در این آیه شریف غرض از اقامه نماز، مانع شدن نماز برای بدی‌ها و زشتی‌ها است و همچنین رسیدن به بزرگترین ابرار یاد خدا که اقامه نماز باشد حال اگر بخواهیم به این اغراض برسیم باید آن نمازی را اقامه کنیم که همه اجزاء را داشته باشد. در روایات اسلامی نیز شاهد این معنا هستیم.

«انَّ المصلی یناجی ربّه» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۳۹)

در این روایت شریف هم غرض از نماز گفتگوی عاشقانه با خدای متعال است، معلوم است رسیدن به این غرض مهم راهی ندارد جزء به جا آوردن نماز با تمام اجزاء.

«الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ۷۹۶)

در این روایت هم غرض از نماز خواندن این است که همین نماز وسیله است برای عروج مومن به سمت خداوند متعال؛ این عروج وقتی حاصل می‌شود که همه اجزای نماز به جا آورده شود.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (کلینی، ط. الاسلامیه، ج ۳، ۲۶۵)

در این روایت شریف هم غرض از نماز نزدیک شدن معنوی به خداوند متعال است؛ این معنویت وقتی حاصل می‌شود که همه اجزاء به جا آورده شود اگر جزئی فاقد شد دیگر آن غرض حاصل نمی‌شود.

در نهایت این اغراض حاصل نمی‌شود مگر اینکه الفاظ برای صحیح وضع شده باشد.

خلاصه اینکه وضع لفظ اقتضاء می‌کند لفظ تعلق پیدا کند برای معنای که با آن معنا غرض لفظ رسانده می‌شود و غرض از لفظ یا انگیزه برای وضع لفظ، همان چیزی است که به آثار ختم می‌شود و رسیدن به این آثار فقط از راه وضع صحیح است نه برای اعم از صحیح.

اساساً وضع کردن لفظ برای چیزی وسیع تر از غرض، نیاز دارد به انگیزه دیگری

که آن انگیز غیر موجود است پس نمی توان برای وسیع تر از غرض شارع وضع شود، واضح لفظ را به انگیزه رسیدن به آثار وضع کرده پس لفظ به معنایی تعلق پیدا می کند که ما را به آثار برساند و او همان وضع برای صحیح است نه اعم.

گویا حضرت آیت الله سبحانی می خواهد بفرماید:

بین لفظ و رسیدن به آثار رابطه علت و معلول است، وضع لفظ برای صحیح یعنی همان تمام اجزاء و شرایط علت است برای رسیدن به آثار و تا تمام اجزاء و شرایط نباشد اصلا علتی نیست تا بخواهد ما را به معلول یعنی آثار شرعی برساند پس نماز یعنی همان صحیح، صحیح یعنی همان نماز. (ر.ک، سبحانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۳)

### ۳. دیدگاه مرحوم مظفر در مورد عنوان

ایشان می فرمایند الفاظ عبادات برای اعم از صحیح وضع شده اند یعنی اگر نمازی و عبادتی انجام شود جزئی از آن نباشد باز این نماز هم در نزد شارع نماز است حقیقتا نه اینکه مجازا به آن نماز گفته شود.

#### ۳-۱. دلیل مرحوم مظفر:

دلیل ایشان مبتنی بر علامت های حقیقت و مجاز است مثل:

۱. تبادر

۲. عدم صحت سلب از اعم. (مظفر، ۱۳۹۳، ۵۹)

حال برای روشن شدن تبادر و عدم صحه سلب باید توضیحی مختصر در مورد این دو آورده شود.

ما برای اینکه بدانیم لفظ به صورت حقیقی برای چه معنای وضع شده از چند راه می توان پی ببریم که لفظ به صورت واقعی برای چه معنایی وضع شده که دو تای از آنها همین تبادر و عدم صحت سلب است.

تبادر یعنی چه؟

تبادر یعنی سرعت گرفتن معنی از خود لفظ بدون هیچ قرینه حالیه و مقالیه به

ذهن. (مظفر، ۱۳۹۳، ۴۳)

چگونه تبادر کاشف از موضع له است؟

هر لفظی بخواهد بر معنا دلالت کند سببی می‌خواهد و اسباب از سه حال خارج نیست

۱. بخاطر علقه ذاتی بین لفظ و معنا

۲. قرینه مقالیه و حالیه که موجب تبادر شود

۳. بخاطر علقه لفظی بین لفظ و معنا

اما سبب علقه ذاتی نیست چون اگر علقه ذاتی بود باید هرکس در زمین باشد به معنای لفظ انتقال پیدا کند؛ اما سبب انتقال قرینه نیست بخاطر اینکه فرض در اینجا عدم قرینه بودن انسباق معنا به ذهن از حاق لفظ بود نه چیز دیگر، پس وقتی انسباق معنا نه بخاطر علقه ذاتی بود نه بخاطر قرینه معلوم می‌شود تبادر یا همان انسباق معنا از لفظ به ذهن بخاطر علقه لفظی بین لفظ و معنا است و این علقه لفظی بخاطر وضع است حال که چنین است پس تبادر است که ما را به موضوع له می‌رساند نظیر برهان اینی که از معلول به علت می‌رسیم (ر.ک، مظفر، ۱۳۹۳، ۴۳)

پس به نظر مرحوم مظفر وقتی ما بخواهیم بدانیم عبادات برای اعم یا صحیح وضع شده با رجوع به تبادر پی می‌بریم که عبادات برای اعم از صحیح وضع شده‌اند مثلا نماز حتی اگر یک جزء آن نباشد باز نماز است.

یکی دیگر از علامت‌ها و راه کارهایی که می‌توان به موضوع له پی برد عدم صحت سلب یا صحت حمل است؛ یعنی درست بودن حمل در معنایی که شک می‌کنیم که آیا این معنا برای آن لفظ مشکوک وضع شده یا نه که نشان دهنده این است که لفظ برای معنا وضع شده است و تبعا درست نبودن حمل نشان دهنده این است که این حمل مجازی است.

این بحث در دو جا تصور دارد

۱. حمل اولی ذاتی

۲. حمل شایع صناعی

در حمل اولی ذاتی ملاک در صحت حمل اتحاد در مفهوم موضوع و محمول و تغایر از جهت‌های دیگر است و در حمل شایع صناعی ملاک برای صحت حمل وعدم صحت سلب اتحاد موضوع و محمول در مصداق و تغایر در مفهوم است.

(ر.ک، مظفر، ۱۳۹۳، ۴۵ و ۴۶)

حال با توجه به این مقدمات اگر ما خواستیم بدانیم موضوع له یک لفظ برای چه چیزی است اینجا از راه این دو نوع حمل می‌توانیم پی ببریم که برای چه چیزی وضع شده است.

۱. حمل اولی:

اول معنای را که شک می‌کنیم لفظ برای آن وضع شده را می‌گذاریم موضوع به هر لفظی که خواستیم از آن تعبیر می‌کنیم در مرحله بعد لفظی را که شک داریم برای آن وضع شده یا نه را با همان معنای ارتکازی می‌گذاریم در محمول در مرحله سوم حمل را آزمایش می‌کنیم به حمل اولی و ملاک را هم در این حمل فهمیدم اگر موضوع و محمول با هم اتحاد داشتند از نظر مفهومی و حمل صحیح بود پی می‌بریم بطور تفصیل این لفظ برای آن معنا وضع شده و اگر دیدیم که حمل صحیح نیست می‌دانیم که لفظ موضوع له آن معنا نیست، اگر استعمال می‌شود این استعمال مجازی است. (ر.ک، مظفر، ۱۳۹۳، ۴۵)

۲. حمل شایع صناعی:

حال اگر این مراحلی که برای حمل اولی طی کردیم و دیدیم حمل اولی صحیح نبود دوباره همان مراحل را برای آزمایش حمل شایع صناعی طی می‌کنیم، اگر حمل صحیح بود یعنی موضوع و محمول از لحاظ مصداقی متحد بودند و از لحاظ مفهومی متغایر بودند و اگر حمل صحیح نبود می‌یابیم این دو لفظ از لحاظ مصداقی متباین هستند پس استعمال مجازی می‌شود. (ر.ک، مظفر، ۱۳۹۳، ۴۶)

پس مرحوم مظفر می‌فرماید الفاظ عبادات برای اعم از صحیح وضع شده‌اند به دو بیان

۱. مثلاً معنای که از لفظ نماز به ذهن می‌رسد اعم از صحیح است. همین که گفته شود نماز خواندیم فوراً به ذهن می‌رسد مطلق نماز حال شاید یک جزئی هم به جا آورده نشود.

۲. وقتی لفظ نماز را بر معنای اعم از صحیح حمل می‌کنیم صحت حمل اتفاق می‌افتد و این دو علامت برای حقیقت هستند.

مقایسه دو دیدگاه مرحوم مظفر و آیت الله سبحانی:

بطور کلی دیدگاه‌های دو کارشناس کاملاً متفاوت است.

۱. آیت الله سبحانی وضع الفاظ عبادات را برای صحیح گرفتند به دلیل اینکه الفاظ برای اغراض شارع وضع شده و اغراض شارع بدست نمی‌آید مگر با وضع الفاظ برای صحیح.

۲. مرحوم مظفر الفاظ برای اعم از صحیح وضع شده‌اند به دلیل تبادر و صحت حمل.

#### ۴. نتیجه گیری

ما در این مقاله دنبال این بودیم که ببینیم که از دیدگاه دو اندیشمند بزرگ اسلامی الفاظ عبادات برای چه چیزی وضع شده و فهمیدیم که نظر آیت الله سبحانی برای صحیح است و همچنین نظر آیت الله مظفر برای اعم است و همچنین فهمیدیم که فایده از این بحث این است که اگر قایل به اعم شویم دست ما در اطلاق گیری در جای که در جزئی شک کردیم باز تر است می‌توانیم به اطلاق تمسک کنیم بخلاف وقتی که قایل به صحیح شویم اگر در جزئی شک کردیم نمی‌توانیم به اطلاق تمسک کنیم و باید به اصول عملیه رجوع کنیم.

#### ۵. منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ عوالی اللئالی العزیزیه فی الحدیث دینیّه، دار سید شهداء لنشر، قم
۲. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۷ المبسوط فی اصول فقه، قم، موسسه امام صادق
۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۹۱ الوسیط فی اصول فقه، قم، موسسه امام صادق
۴. فرهنگ نامه اصول فقه به کوشش جمعی از محققین، ۱۳۸۹ مرکز اطلاعات مدارک اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم
۵. فیومی احمد بن محمد، ۱۴۱۴ مصباح المنیر، موسسه دار الحجره
۶. کلینی محمد بن یعقوب، ۱۴۰۵ الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران

۷. مظفر، محمد رضا، ۱۳۹۳ اصول فقه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه
۸. مصطفی حسن، ۱۴۳۰ التحقیق فی کلمات قران، بیروت، دارالکتاب علمیه
- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی

